

راهکارهای حقوقی در مقابله با گروه های تروریستی بر اساس اسناد و معاهدات

بین المللی (مطالعه موردی گروه تروریستی داعش)

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

جعفر شیری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران

محمد مهدی جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران

چکیده

بدون تردید، هر برهه ای از تاریخ نظام بین المللی، شاهد روندهایی است که بر رفتار واحدهای سیاسی نقشی تأثیرگذار و تعیین کننده داشته اند. این مقوله ها بیشتر شامل آن دسته از مواردی است که در محیط بین المللی به صورت جاری درآمده است و به واسطه غلبه داشتن بر رفتار دولتها اثرگذار هستند. با افزایش اعمال تروریستی، دولتها به اهمیت سازمان های جهانی در مقابله با تروریسم پی برده بودند. سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد با سازوکارهایی که در اختیار داشتند توانستند نقش موثری در مبارزه با تروریسم ایفاء کنند. اما با توجه به عدم همکاری برخی کشورهای عضو و حمایت پیدا و پنهان گروه های تروریستی توسط تعدادی از اعضا، این سازمان به توفیق چندانی در مبارزه با گروه های تروریستی دست نیافت. جرائم ارتكابی از سوی داعش، به وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رم پیش بینی شده است. در عین حال، دیوان برای پیگیری این جرائم باید قادر به اعمال صلاحیت خود باشد. همچنین، سازمان کشورهای اسلامی، توانسته بود با بهره گیری از صلاحیت، قدرت و تأثیرگذاری خود به مبارزه موثر با تروریسم بین المللی بپردازد، اما با توجه به حمایت

^۱ نویسنده مسئول

برخی از کشورهای اسلامی در زمینه حمایت از تروریست‌های تکفیری در عراق و سوریه، عملاً سازمان کشورهای اسلامی در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی نتوانسته بودند به اهداف اصلی خود که همانا حمایت از استقلال و آزادی کشورهای اسلامی است برسند. تلاش مشترک کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید متمرکز بر از بین بردن فقر به عنوان اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری تروریسم باشد. سازمان ملل متحد نیز می‌تواند از چند طریق به حل این ماجرا کمک کرد اول از طریق تعریف تروریسم و همچنین بازنگری در قراردادهای جهانی و کنوانسیون‌های مصوب سازمان ملل که بر اساس اقتضائات روز دنیا می‌تواند تغییرات لازم در آن‌ها انجام گیرد. در این مقاله علمی به بررسی راهکارهای حقوقی در مقابله با گروه‌های تروریستی بر اساس اسناد و معاهدات بین‌المللی (مطالعه موردی گروه تروریستی داعش) به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تروریسم، داعش، معاهدات بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی

مقدمه

تروریسم پدیده جدیدی نیست، تاریخ مشحون از اقدامات شوم تروریستی است که بانگیزه‌های گوناگون ارتکاب یافته و حیات انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را سلب نموده و حقوق، آزادی‌ها و امنیت مردم را به مخاطره افکنده است. امروز اما تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین‌المللی تبدیل شده و خوف آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. بنابراین با نگاهی به علل ارتکاب ترور توسط افراد یا گروه‌ها، راه‌های مقابله با آن را مورد توجه قرار داده و این نتیجه را به دست خواهیم آورد که باید به رویکرد قانون و اجرای آن در داخل کشورها و نیز صحنه بین‌المللی توجه بیشتری مبذول نمود.

تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. دولت‌ها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون‌های متعددی تصویب کرده‌اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست‌ها و تبدیل شدن آنان به بازیگران بین‌المللی و فعالیت در قالب سازمان‌ها و مجموعه‌های هماهنگ، جامعه بین‌المللی باید اقدامات ضد تروریستی مؤثری را توسعه دهد که تجلیات هر چه پیچیده‌تر و جهانی تهدیدهای تروریستی را مورد توجه قرار دهد. به نظر نمی‌رسد اقدامات یک‌جانبه یا حتی دو جانبه، برای مقابله با تهدیدی که جهانی است کافی باشد. برای محدود ساختن تروریست‌های بین‌المللی، همکاری و هماهنگی بین‌المللی ضروری است. اگر همچون رزالین هیگینز قاضی معروف دیوان دادگستری بین‌المللی تروریسم را چالشی برای حقوق بین‌الملل معاصر (روزالین هیگینز و م. فلوری، ۱۹۹۹) بدانیم برای مواجهه با آن باید از ابزارهای مختلف حقوقی و سیاسی همچون اجرای قانون و دیپلماسی مذاکره، بهره‌مند گردیم. شورای امنیت به عنوان مهمترین رکن حافظ صلح و امنیت ملل متحد، در زمانهای مقتضی می‌تواند اقدامات لازم را اتخاذ کند. درحالی‌که اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و اصل عدم توسل به زور، از اصول بنیادین منشور و حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود؛ شورای امنیت می‌تواند با احراز تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز (ماده ۹۲)، بر اساس مواد ۲۰ و ۲۴ منشور، بر اصول مذکور استثنا وارد کند. به عبارت دیگر، اقدامات شورا برای حفظ صلح و مقابله با تجاوز مداخله محسوب نمی‌شود. شورای امنیت تروریسم را به عنوان یک تهدید یا نقض صلح در مفهوم ماده ۹۲ منشور سازمان ملل ممنوع کرده است. تا کنون در زمینه داعش پنج قطعنامه (۴۰۱۲، ۴۴۲۲، ۴۰۱۱، ۴۰۱۱، ۴۰۲۲) صادر شده است. آنچه دارای اهمیت است، اتخاذ تدابیری حکیمانه برای مواجهه با این پدیده شوم است که حتی ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد. مهار تروریسم به سبب عدم شناخت دقیق ماهیت آن و عدم توفیق جامعه بین‌المللی از ارائه تعریفی جامع و شفاف و مورد باور همگان، دشوار

می‌نماید. باید از هر گونه مواجهه‌ای که افزایش فعالیت‌های تروریستی را سبب شود پرهیز کرد. ممکن است برخی از دولت‌ها مایل به استفاده گسترده از هر نوع توسل به خشونت در مبارزه با تروریسم باشند و حتی قتل عام تروریست‌ها را مشروع به شمار آورند، ولی چنین برخوردهایی ممکن است صدها مشکل جدید ایجاد کند. معلوم است که فقدان توافق بین‌المللی در خصوص چارچوب قانونی مبارزه با تروریسم بین‌المللی، می‌تواند سبب برخورد گزینشی و کاملاً متفرق با این پدیده شود. ولی بر پایه اسناد بین‌المللی که بر محور تروریسم با همه اشکال آن تأکید دارند و هیچ دلیلی را برای توجیه آن قابل پذیرش نمی‌دانند، می‌توان به تدوین چارچوب جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم امیدوار بود. اما باید اول توجه داشت که اعمال قواعد حقوقی موجود با همه کاستی‌هایی که دارند به شرط رعایت، می‌تواند دستمایه‌ای برای دگرگون کردن اوضاع تلقی شود. دوم، سازمان ملل متحد باید موضع جدی‌تری اتخاذ کند. ترویج همکاری‌های بین‌المللی با هدف متحد کردن دولت‌ها در برابر اقدامات تروریستی بسیار ضروری و مفید است. سازمان ملل خاصه از طریق مجمع عمومی حاوی تقریباً تمامی کشورهای جهان، می‌تواند اسناد لازم الاجرائی برای مبارزه با تروریسم به عنوان تهدیدی جهانی، توسعه بخشد. سازمان هم‌چنین به عنوان مرکز همکاری بین‌المللی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر می‌تواند به بهترین وجه ممکن تضمین کند که مبارزه ضد تروریستی به پایمال کردن حقوق انسان‌ها نینجامد. سوم، پیشرفت مبارزه با تروریسم در گرو آن است که هر گونه تعارضی میان رویکرد حقوقی و رویکرد سیاسی برطرف شود. قبل از هر چیز لازم است جامعه جهانی عزم خود را در مبارزه با تروریسم جزم کند و به تعریف پذیرفته شده‌ای از تروریسم دست یابد که به طور شفاف تمامی گونه‌های تروریسم را پوشش دهد. نکته بسیار پراهمیتی که نباید هرگز از نظر دور داشت این است که پدیده شوم تروریسم معلولی است که برای از میان برداشتن آن باید بیش از هر چیز به علت آن توجه نمود. به بیان درست کاسسه، با روش‌های سرکوبگرانه نمی‌توان منتظر نابودی تروریسم بود. فقدان عدالت ریشه تروریسم است. نابرابری‌های اجتماعی همچون فقر، توسعه نیافتگی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، جهل، فقد تکثرگرایی سیاسی و دموکراسی را باید از مهم‌ترین عوامل تشدید نفرت و انزجار دانست.

بنابراین برای مبارزه با تروریسم کمتر از همه ابزارهای مفید دیگر باید به توسل به زور نگریست. توسل به خشونت موجب بروز واکنش‌های خشونت‌آمیز شدیدتری می‌شود که می‌تواند بنیاد جامعه بین‌المللی را بر باد دهد. رویکرد حقوقی و در کنار آن توجه به بحث سیاسی و آنهم به ابتکار جامعه بین‌المللی، امید رسیدن به پیروزی در مبارزه با تروریسم را افزایش می‌دهد. جان کلام این که حتی در مبارزه با تروریسم اول باید بر حفظ صلح اهتمام داشت و در حد امکان از توسل به خشونت مسلحانه خودداری کرد. درست است که تروریسم می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب شود ولی با این بهانه نمی‌توان مرتکب اقدام مسلحانه شد که خود مغایر با هدف صلح است. دوم، در صورت ضرورت، کاربرد زور تنها توسط سازمان ملل متحد امکان‌پذیر است و دولت‌ها باید از اقدام یکجانبه و واکنش‌های خودسرانه پرهیزند. سوم، در هر صورت باید از حقوق انسانی دفاع کرد و لازم است غیرنظامیان در مقابل اقدامات مسلحانه محافظت شوند و طرفین درگیری نظامی ملزم به رعایت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی‌اند. رابعاً، ترویج و ترغیب جلوه‌های متعدد عدالت برای پیشگیری از پیشرفت تروریسم ضروری است که ضمناً مقتضی سرکوب جرائم بین‌المللی با محاکمه متهمان در یک دادگاه کیفری است که در آن انجام محاکمه منصفانه به خوبی تأمین گردد؛ چه آن که اتهام شخص به ارتکاب جنایت و جرم بین‌المللی مانع رعایت اصول عدالت کیفری در مورد او نیست. فراموش نکنیم که عدم رعایت عدالت حتی در محاکمه متهمان نیز می‌تواند بر شدت نفرت و کینه تروریست‌ها بیفزاید و میزان خشونت را افزایش دهد، بنابراین فارغ از این که برخورداری از محاکمه منصفانه حق طبیعی متهمان است، رویکرد مصلحت‌اندیشانه نیز رعایت آن را ضروری می‌سازد. هدف از این پژوهش بررسی آن است که آیا ائتلاف ضد داعش می‌تواند با استناد به این قطعنامه‌ها عملیاتش را توجیه کند؛ به عبارت دیگر، آیا شورای امنیت در این قطعنامه‌ها مجوزی برای مداخله نظامی صادر کرده است؟ پس چرا تا کنون هیچ برخورد قاطع و بازدارنده جهت نابودی گروه تروریستی داعش صورت نپذیرفته است؟

امروزه درباره چالش سهمگین تروریسم و افراط گری که جامعه جهانی با آن روبرو است و هم چنین مبارزه با این پدیده و جلوگیری از گسترش و در صورت امکان ریشه کنی نهایی آن، بسیار سخن گفته می شود. صرف نظر از این که کشورهای مختلف چه موضعی نسبت به این دو پدیده دارند و یا جوهره سیاست رسمی کشورهای مختلف در قبال آنها چیست، جامعه جهانی با این باور مشترک هم داستان است که باید به فوریت به این معضلات پرداخت و با مؤثرترین شکل ممکن از دست آنها خلاصی یافت. در ضرورت برخورد با این چالش کمترین تردیدی وجود ندارد. در عصر جدید، تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین المللی مبدل گشته و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن صلح و امنیت بین المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و تکنولوژی پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی یا منطقه ای محصور نمی ماند. تروریست ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده اند اما هرگز در قید و بندهای بین المللی ناشی از آن گرفتار نشده اند. از آن جا که تروریست ها به بازیگرانی بین المللی تبدیل شده اند، می توانند تقریباً هر جا که بخواهند اقدامات تروریستی خود را ساماندهی کرده، به اجرا گذارند، از این رو هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی ماند. تروریست ها با انگیزه های متفاوت ممکن است دست به اقدامات تروریستی بزنند. دولت ها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون های متعددی تصویب کرده اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست ها و تبدیل شدن آنان به بازیگران بین المللی و فعالیت در قالب سازمان ها و مجموعه های هماهنگ، جامعه بین المللی باید اقدامات ضد تروریستی مؤثری را توسعه دهد که تجلیات هر چه پیچیده تر و جهانی تهدیدهای تروریستی را مورد توجه قرار دهد. به نظر نمی رسد اقدامات یک جانبه یا حتی دو جانبه، برای مقابله با تهدیدی که جهانی است کافی باشد بلکه برای مواجهه با آن باید از ابزارهای مختلف حقوقی و سیاسی هم چون اجرای قانون و دیپلماسی مذاکره، بهره مند گردیم. با گذشت بیش از چهار سال از آغاز دومینوی بهار عرب، دولت سوریه همچنان با مشکلات ناشی از جنگ داخلی دسته و پنجه نرم می کند. شکل گیری گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، کشتار وحشیانه مردم بی دفاع و عدم رعایت حقوق بشردوستانه توسط گروه مذکور نیز بر وخامت اوضاع

افزوده است. داعش فعالیت خود را از شمال عراق و سوریه آغاز کرد و در پی پیشرویهای خود، هدفش را تسلط بر منابع مالی و نظامی قرار داد؛ به دنبال این هدف، فعالیتش را برای تسلط منابع طبیعی و سرزمینی در شرق سوریه گسترش داد و وارد جنگ با مناطق کردنشین سوریه شد. به نظر یکی از حقوقدانان، حتی اگر آن نهادی که ادعای دولت بودن را دارد، ملاک‌های لازم در کنوانسیون مونته‌ویدئو را دارا باشد، یک اصل مانع ایجاد آن نهاد است و آن تمامیت ارضی سرزمین مادر است. با تصویب منشور ملل متحد و مسجل شدن اصل منع توسل به زور به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل و یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوقی ناظر بر روابط بین‌الملل، عدم مداخله، احترام به حاکمیت و برابری دولتها به منزله ارکان حقوقی نظم بین‌المللی به رسمیت شناخته شدند. سیستم امنیت دسته جمعی بر اساس فصل هفتم منشور مهمترین استثنا بر ممنوعیت توسل به زور است و دولتها در عملیات ضد تروریستی می‌توانند به این امر استناد کنند.

بخش اول: تعریف تروریسم

در واقع یکی بحث برانگیزترین و بغرنج‌ترین مباحث مربوط به تروریسم بحث تعریف آن است به طوری که هرگاه به هریک از متون نگاشته شده در مورد تروریسم مراجعه شود غالباً بخشی را به این موضوع اختصاص می‌دهند و این موضوع در بسیاری از محافل بین‌المللی، علمی و دانشگاهی به بحث گذاشته شده است و در هریک از آنها تروریسم به گونه‌ای تعریف گردیده است ولی چرا تعریف تروریسم مشکل است؟ برای این امر دلایلی زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- زیرا تروریسم یک مفهوم چندپهلوی بوده و مفاهیم سیاسی، حقوقی، اجتماعی و عام آن از همدیگر دور بوده و اختلاف دارند.

۲- تعریف مسئله مرتبط با قانون سازی و کیفری نمودن آن است.

- ۳- تروریسم در اشکال و وضعیت های متفاوتی وجود دارد.
- ۴- این مفهوم در طول دوره تاریخی بیش از ۲۰۰ سال دستخوش تغییرات مفهومی بسیاری گشته است.
- ۵- اعمال تروریستی سری و مخفی بوده و همین مسئله آنالیز آن ها را مشکل می سازد.
- ۶- مسئله تعریف تروریسم مرتبط با این نکته است که اعمال تروریستی با منافع ملی یک کشور برخورد داشته یا نداشته باشند، که همین مسئله باعث ایجاد و به کارگیری استانداردهای چندگانه می گردد.
- ۷- مرزهای تروریسم با سایر اشکال خشونت سیاسی همانند:
آدمکشی و جنگ های چریکی، بسیار شبیه و غیر مشخص می باشند.
- ۸- دولت با ادعای استفاده مشروع از زور و قدرت تعریف قانونی آن، می تواند همه فعالیت های خودش را از شمول تعریف تروریسم مستثنی نماید.
- ۹- بحث تعریف تروریسم مرتبط با یک وظیفه ابتدایی در خصوص شروع یک مارپیچ رو به پایین از خشونت کنشی - واکنشی، و یک بحث از علل ریشه ای پدیده تروریسم است.
- ۱۰- برخی از نویسندگان از دو گونه متفاوت از کلمات استفاده می کنند (زور و خشونت، ترور و تروریسم) برای بازیگران دولتی و غیردولتی
- ۱۱- چارچوب های مفهومی و نرماتیو استفاده کنندگان از این واژه ها متفاوت است (مثلاً مدل عدالت کیفری، مدل جنگی و ..)
- ۱۲- مباحث تروریسم مرتبط با موضوعات مربوط به تعیین سرنوشت، مبارزه مسلحانه بر علیه اشغال خارجی و رژیم های نژادپرست می باشند.

۱۳- افراد درگیر در اعمال تروریستی غالباً همچنین سایر موارد همانند قانون‌گذاری، انواع مخاصمات مسلحانه و سیاست‌های گروه‌های سیاسی حضور دارند.

۱۴- خشونت‌های ارتکاب یافته توسط قربانیان و رقبای تروریست‌ها می‌توانند غیر تبعیضی بوده و تروریستی به نظر برسند.

۱۵- ارزیابی اعمال تروریستی به هم پیچیده و مخلوط با مباحث مرتبط با اهداف عاملان و خود بازیگر می‌گردد (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۴۱).

بدین دلایل موضوع مطالب بخش پیش رو مسائل مربوط به تعریف را در بر گرفته است که چرا این مباحث در واقع دروازه ورودی به مباحث بعدی می‌باشد.

به این منظور در این بخش ابتدا به اهمیت تعریف تروریسم پرداخته شده است. سپس در بخش بعدی اصلی‌ترین تعاریفی که در این مورد وجود دارد پرداخته شده است که این امر در سه بند تعاریف حکومتی، تعاریف نظری یا آکادمیک و تعاریف سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته و نهایتاً در بخش‌هایی نتیجه بحث آورده شد است. سازمان و نهادهای بین‌المللی با توجه به محدوده اختیارات و وظایف خود تعاریفی را از تروریسم ارائه داده‌اند اما از تعاریف ارائه شده از سوی مجامع بین‌المللی سه تعریف جالبتر و به واقع نزدیکتر به نظر می‌رسند. این تعاریف یکی تعریف ارائه شده از سوی جامعه ملل، دوم تعریفی است که از قطعنامه ۲۱۰/۵۱ مجمع عمومی در مورد روش‌های ریشه‌کنی تروریسم بین‌المللی قابل استخراج است و سوم تعریفی است که کمیته تدوین‌کننده اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از جرم تروریسم به عمل آورده است. بر اساس کنواسیون ۱۹۴۷ جامعه ملل تمامی اقدامات جنایی که یک دولت را هدف قرار داده باشد و هدف آن ایجاد حالت رعب و وحشت در اذهان اشخاص و یا گروهی از افراد یا عامه مردم باشد تروریسم تلقی می‌شود. مجمع عمومی نیز در قطعنامه ۲۱۰/۵۱ خود تعریف مشابهی را پذیرفته است. بر اساس این قطعنامه اقدامات جنایی که با هدف برانگیختن جو رعب و وحشت در میان عموم مردم، گروهی از افراد و یا افراد خاص و با اهداف سیاسی انجام شده

باشد {تروریسم تلقی شده} و تحت هر شرایطی و یا هر انگیزه‌ای سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی و مذهبی که باشد غیرقابل توجیه است (آریش، ۲۰۱۱: ۳۱). این دو تعریف برخلاف رویه کنواسیون‌های سابق، مفهوم تروریسم را محدود می‌سازد به اعمالی که:

(۱) خشونت آمیز باشد.

(۲) در میان افراد و یا گروهی از مردم ایجاد رعب و وحشت نماید.

(۳) با اهداف سیاسی صورت پذیرفته باشد

(۴) قربانیان خشونت هدف اصلی از اعمال خشونت نباشند و در واقع انتخاب آنها برای ارسال یک پیام سیاسی باشد.

تعریف سوم، جامع‌ترین و دقیق‌ترین تعریفی است که تاکنون از تروریسم به مثابه یک جرم به عمل آمده، گرچه این تعریف به دلیل مخالفت برخی دولت‌ها از نسخه نهایی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری حذف شده است. بر اساس این تعریف جرم تروریسم (بین‌المللی) عبارتست از:

۱- ارتکاب، سازماندهی، حمایت، دستور، تسهیل، تأمین مالی، تشویق یا تحمیل اقدامات خشونت آمیز علیه دولت دیگر که اشخاص یا املاک را با هدف ایجاد وحشت، ترس یا احساس ناامنی در اذهان چهره‌های عمومی، گروه‌هایی از افراد یا عامه مردم یا جمعیت، با هر ملاحظه و هدف سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی، مذهبی یا از این قبیل برای توجیه آن، هدف قرار می‌دهد.

۲- اقداماتی که بر اساس کنوانسیون‌های زیر جرم شناخته شده است. کنوانسیون منع اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، کنوانسیون منع توقیف غیرقانونی هواپیما، کنوانسیون مخالفت با

گروگان‌گیری، کنوانسیون منع اقدامات غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی و کنوانسیون منع اقدامات غیرقانونی علیه تأسیسات مستقر در فلات قاره.

۳- جرمی که در برگیرنده استفاده از سلاح گرم، تسلیحات، مواد منفجره و مواد خطرناک باشد که وقتی به عنوان وسیله‌ای برای انجام خشونت غیر تبعیض‌آمیزی استفاده شود موجب مرگ یا جراحت بدنی جدی افراد یا گروهی از افراد یا خسارت جدی به املاک می‌شود.

بر اساس این دو تعریف آخر اقدامات تروریستی ممکن است که از سوی یک فرد، گروه و یا دولتی علیه فرد، گروه یا دولت دیگر صورت پذیرفته باشد (گایا، ۱۳۸۹: ۲۹). همان‌گونه که ملاحظه گردید می‌توان گفت که تعاریف ارائه شده از سوی نهادهای بین‌المللی کامل‌ترین و جامع‌ترین تعاریف در نوع خود می‌باشند.

بخش دوم: جایگاه تروریسم در حقوق بین‌الملل موضوعه

پدیده تروریسم پدیده ساده‌ای نیست بلکه یکی از پیچیده‌ترین موضوعاتی است که بشر در طول تاریخ خود شاهد بوده است. بالتبع مبارزه با این پدیده پیچیده بین‌المللی نیز به آسانی مقدور نخواهد بود و این امر نیاز به عزم جدی جامعه بین‌المللی دارد که آن نیز از طریق همکاری بین‌المللی میسر است. همکاری‌های بین‌المللی نیز نیاز به ابزارهای خاصی دارند که عبارتند از کنوانسیون‌های بین‌المللی و همکاری در قالب سازمان‌های بین‌المللی در کنار اقدامات فردی دولت‌ها که موضوع این بخش را همین موارد تشکیل می‌دهند (خلجی، ۱۳۹۰: ۵۲).

بند اول: کنوانسیون‌های بین‌المللی در باب تروریسم

معمولاً هرگاه در سطح جهانی دسته‌ای از اعمال تروریستی روی می‌دهد، جامعه جهانی به لزوم اتخاذ تدابیر و راهکارهای عملی در مورد آن پی می‌برد. چنانچه اولین کنوانسیون‌های جهانی ضد تروریستی هنگامی منعقد شدند که عملیات خرابکارانه علیه امنیت هوایی و هواپیماها

گسترش یافته بود فلذا کشورها نیاز به برخورد جدی با این موارد را احساس کردند. در نتیجه اولین کنوانسیون های بین المللی جهانی در باب تروریسم مربوط به امنیت هوایی، هواپیما ربایی و از این قبیل بود و یا هنگامی که در سطح جهان مواردی از گروگان گیری و یا تعرض به جان مأموران دیپلماتیک یا مقامات خارجی روی داد کنوانسیون هایی در این باب به رشته تحریر درآمد و در مورد سایر کنوانسیون ها نیز وضع به همین منوال است که در زیر به آنها به تفکیک موضوع پرداخته شده است (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۴۵).

بند دوم: کنوانسیون های جهانی

۱- کنوانسیون راجع به جرائم و دیگر اعمال ارتكابی در هواپیما

این کنوانسیون در سال ۱۹۶۳ و در شهر توکیو به امضاء رسید و از سال ۱۹۶۹ لازم الاجراست. هدف از این کنوانسیون مجازات و محاکمه افرادی است که هواپیماهای کشوری را مورد تهدید قرار می دهند. دولت های طرف معاهده ملزم به باز گرداندن کنترل و هدایت هواپیما به دست فرمانده قانونی و فراهم آوردن شرایط لازم برای ادامه پرواز آن هستند.

۲- کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۰ و در شهر لاهه به امضاء رسیده و از سال ۱۹۷۱ لازم الاجرا می باشد. هدف از این کنوانسیون مقابله با هواپیما ربایی می باشد و طبق مفاد آن هرگونه اعمال زور و یا تهدید به استفاده از خشونت جهت تصرف و کنترل هواپیما جرم محسوب می شود و دولت های عضو متعهد گردیده اند که این اقدامات را تحت عنوان جرم در نظر گرفته و مجازات های متناسب را برای آن پیش بینی نمایند. همچنین طبق این کنوانسیون دولت موظف به استرداد متهمان شده اند. و به طور کلی ۷ اصل زیر را می توان از این کنوانسیون استخراج نمود.

- در این کنوانسیون، جرم هواپیما ربایی تعریف شده و تأیید گردیده که هر کوششی برای ارتکاب این جرم و یا هرگونه مساعدت و کمکی به ارتکاب آن نیز هواپیما ربایی تلقی می‌شود.

- این کنوانسیون مانند سایر کنوانسیون‌های ضد تروریسم به‌طور صریح اعمال صلاحیت، حداقل ۷ دسته از کشورها را مورد شناسایی قرار می‌دهد:

(۱) کشوری که در آن هواپیمای مربوط به ثبت رسیده (۲) کشوری که پروازها (اجاره کننده هواپیما) متعلق به اوست (۳) کشوری که در سرزمین آن هواپیما همراه با هواپیما ربا در آن فرود می‌آیند (۴) کشوری که در سرزمین آن متهم به جرم زندگی می‌کند (۵) کشوری که در سرزمین آن یا در فضای آسمانی آن جرم انجام گرفته است (۶) کشوری که متهم به جرم دارای تابعیت آن می‌باشد (۷) کشوری که امنیت آن به‌طور مستقیم توسط جرم هواپیما ربایی تحت تأثیر قرار گرفته است ولی هیچگونه سلسله مراتبی بین ادعاهای مختلف از نظر اعمال صلاحیت نسبت به قانون، تعیین نگردیده است (شریفی، ۱۳۸۵: ۳۷).

- به عنوان نتیجه‌ای مستقیم از امکان اعمال صلاحیت حقوقی، کنوانسیون برای اولین بار در تاریخ حقوق با وضع معاهده‌ای، وظیفه‌ای کلی را برای هر کشور طرف دعوا معین کرده است که طبق آن دولتی که در قلمرو آن مجرم به سر می‌برد، می‌تواند یا اقداماتی را برای محاکمه مجرم اتخاذ کند و یا دعوا را مسترد دارد. اگر چنانچه دولت مربوطه، وی را مسترد ندارد: وظیفه دارد که وی را بدون هیچ استثنایی و صرف نظر از اینکه جرم در سرزمین آن دولت به وقوع پیوسته یا خیر اقداماتی را جهت محاکمه وی اتخاذ نماید، به همان ترتیبی که در مورد سایر جرائم مهم تحت قوانین خود اقدام می‌نماید و در جایی که معاهده استرداد وجود ندارد، می‌توان از خود کنوانسیون بدین منظور استفاده نمود (علینقی، ۱۳۸۲: ۹).

- تمام دولت های عضو کنوانسیون، وظیفه دارند که به کشور محاکمه کننده: بیشترین میزان مساعدت را در رابطه با رسیدگی های کیفری ارائه دهند. منجمله، دادن هرگونه مدارک و قرائن و سایر اطلاعاتی که در اختیار دارند.

- کنوانسیون، همچنین برخی از وظایف آیین نامه ای را بر کشورهای عضو تحمیل می کند. مانند وظیفه جمع آوری فوری اطلاعات مربوط به حادثه تروریستی، وظیفه مطلع ساختن تمام دولت های درگیر در مورد بازداشت مجرم، طبقاً گزارش کردن اطلاعات حاصله به سایر دول و در صورت امکان وظیفه اتخاذ اقدامات مناسب برای بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن و وظیفه بازگرداندن هواپیما و بار آن.

- کنوانسیون نقش نظارتی شورای سازمان هواپیمایی کشوری (ICAO) را مورد شناسایی قرار داده و آن از طریق ملزم ساختن هر کشور عضو به دادن گزارش کامل به شورای مزبور در اسرع وقت می باشد که در آن هرگونه اطلاعاتی را که در اختیار دارد می بایستی گزارش کند اضافه شود که ICAO مسئولیت امنیت هواپیمایی کشوری را در سراسر جهان دارا می باشد و هر کشوری که تصمیمات (ICAO) را نادیده بگیرد با خطر متوقف شدن صنعت هواپیمایی اش، مواجه خواهد شد.

- بالاخره کنوانسیون، دارای مکانیسم حل اختلاف با امکان توسل به دیوان دادگستری بین المللی می باشد. طبق کنوانسیون شیکاگو، کشورها نمی توانند از مکانیسم حل و فصل اختلافات در مورد تصمیمات شورای (ICAO) خودداری کنند.

۳- کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۱ در شهر مونترال به امضاء رسید از همان سال لازم الاجرا گردید.

این کنوانسیون نسبت به کنوانسیونهای قبلی گسترده‌تر می‌باشد چرا که طیف وسیعی از اعمال علیه ایمنی هواپیماها را جرم قلمداد کرده است به طوری که این اعمال را جرم قلمداد نموده است.

الف) انهدام هواپیمای در حال پرواز یا ایراد خسارت به آن به گونه‌ای که پرواز را غیر ممکن نماید یا ایمنی آن را در معرض خطر قرار دهد.

ب) اقدام بر ضد مسافران و خدمه پرواز به طوری که امنیت پرواز را احتمالاً مختل کند.

ج) وارد کردن آلات و مواد منفجره به داخل هواپیما و انجام هر اقدامی که موجب تخریب یا ایراد خسارت گردد.

د) انهدام تأسیسات و امکانات هوانوردی، آسیب رساندن به آنها یا مختل کردن فعالیت آنها، به طوری که ایمنی هواپیما را به خطر افکند.

ه) ارائه اطلاعات غلط که در اثر آن امنیت هواپیما تهدید گردد.

طبق مواد این کنوانسیون هرگونه مباشرت، مشارکت و معاونت در اعمال مذکور جرم محسوب می‌شوند و دولت‌های متعاقد ملزم گردیده‌اند که برای محاکمه و مجازات عاملان آن همکاری نمایند.

۴- پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی هستند (لاکوئر، ۱۳۸۱: ۶۷).

این پروتکل در سال ۱۹۸۸ و در شهر مونترال به امضاء رسیده و از سال ۱۹۸۹ لازم الاجرا گردیده و ۶۹ دولت آن را امضاء و ۹۹ دولت نیز آنرا به تصویب رسانده‌اند.

این پروتکل در واقع به کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال ملحق شده و به نوعی تکمیل مقررات آن می باشد به طوری که دامنه جرائم موضوع آنرا گسترش داده و اقدامات خشونت آمیز در فرودگاه های غیرنظامی را نیز مشمول آن کرده است.

۵- کنوانسیون علامتگذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی آنها.

این کنوانسیون در سال ۱۹۹۱ در شهر مونترال به امضا رسید و از سال ۱۹۹۸ لازم الاجرا گردیده است. این کنوانسیون در واقع در واکنش به انفجار هواپیمای مسافری شرکت هواپیمایی پان آمریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند در سال ۱۹۸۸، که طی آن کلیه مسافران و چند روستایی کشته شدند، با تلاش ایکائو منعقد شد (محمدرفعی، ۱۳۸۳). کنوانسیون از دو قسمت تشکیل شده است:

در قسمت اول که متن اصلی کنوانسیون را شامل می شود، دولت های عضو موظف شده اند، تدابیر لازم جهت کنترل و محدود کردن تولید و استفاده از مواد پلاستیکی علامت گذاری نشده، اتخاذ نمایند و کنترل مؤثری بر مالکیت، تولید، حمل و نقل و اسناد از انواع پلاستیک های مورد استفاد در مواد منفجره، که دقیقاً در ضمیمه فنی (بخش دوم) کنوانسیون مشخص شده است، اعمال کنند. دولت های عضو باید در صورت داشتن ذخایر مواد منفجره پلاستیکی علامت گذاری نشده، که توسط نیروهای نظامی نگهداری نمی شود، آن ها را ظرف سه سال معدوم، جمع آوری و بی اثر یا علامت گذاری نمایند. چنانچه پلیس و نیروهای نظامی و انتظامی دولت های عضو دارای ذخایر این مواد هستند نیز، باید ظرف ۱۵ سال معدوم، جمع آوری، بی اثر یا علامت گذاری شوند. (دیهم، پیشین، صص ۹۰-۹۱)

۶- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه افراد مورد حمایت بین المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک.

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۳ در شهر نیویورک و در مقر سازمان ملل متحد به رأی گذاشته شد و از سال ۱۹۷۷ لازم الاجرا گردیده است. این کنوانسیون در واکنش به گسترش اقدامات خشونت آمیز علیه کارکنان سفارتخانه‌ها، مقامات و دولتمردان علی الخصوص دیپلمات‌ها تدوین گردید و طبق مفاد آن، اقداماتی از قبیل، قتل، آدم ربایی و دیگر انواع خشونت علیه افراد مورد حمایت بین‌المللی (طبق تعریف کنوانسیون) ممنوع اعلام شده و هر گونه حمله به اماکن و تأسیسات رسمی و محل سکونت و وسائل حمل و نقل این افراد جرائم قابل مجازات تلقی گردیده است.

۷- کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۹ در نیویورک و در مقر سازمان ملل متحد به رأی گذاشته شد و از سال ۱۹۸۳ لازم الاجرا گردیده است. هدف از این کنوانسیون همان‌طور که از نام آن پیداست، محاکمه و مجازات افرادی است که اقدام به گروگان‌گیری برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص حقیقی و حقوقی برای اجابت خواسته‌های خود می‌نمایند، می‌باشد.

۸- کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی این کنوانسیون در سال ۱۹۸۸ در شهر رم به امضا رسیده است و از سال ۱۹۹۲ لازم الاجرا گردیده است. این کنوانسیون با تلاش‌های سازمان دریانوردی بین‌المللی (IMO) تدوین و به تصویب رسید و هدف آن محاکمه و مجازات و استرداد مرتکبین اعمال ذیل است.

الف) اعمال کنترل بر کشتی تجاری به طور غیرقانونی و با توسل به زور با احتمال به خطر افتادن ایمنی دریا نوردی کشتی یا مسافران و خدمه

ب) انتقال مواد منفجره در کشتی به طوری که امنیت کشتی و مسافران و خدمه را در معرض خطر قرار دهد.

ج) انهدام تأسیسات مربوط به کشتیرانی یا آسیب جدی به آنها یا اختلال در کار آنها به طوری که امنیت کشتی و مسافران را در معرض خطر قرار دهد.

۹- پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوه‌های ثابت واقع در فلات قاره:

این پروتکل در سال ۱۹۹۸ در شهر رم به امضا رسید و از سال ۱۹۹۲ لازم الاجرا گردیده است و تا سال ۲۰۰۰ میلادی ۳۹ دولت آنرا امضاء و ۳۵ دولت پروتکل مزبور را تصویب نموده‌اند.

این پروتکل در واقع الحاقی به کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی است و هدف آن جلوگیری از انهدام یا تخریب تأسیسات مصنوعی از جمله سکوه‌های ثابت واقع در فلات قاره می‌باشد.

۱۰- کنوانسیون حفاظت از مواد اتمی

کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ در شهر وین امضا و از سال ۱۹۸۷ لازم الاجرا گردیده است و تا سال ۲۰۰۰، ۴۵ کشور آن را امضاء و ۶۳ دولت آنرا تصویب نموده‌اند. این کنوانسیون به ابتکار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تهیه و تدوین گردیده است و طبق مفاد آن دولت‌های متعاقد موظف شده‌اند که نگهداری، استفاده، حمل و نقل غیرقانونی مواد اتمی، سرقت مواد اتمی و تهدید به استفاده از این مواد را که ممکن است باعث مرگ یا جراحت شدید به افراد یا لطمه اساسی به دارایی‌ها گردد را جرم محسوب نمایند.

۱۱- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب گذاری تروریستی

این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷ در شهر نیویورک و در مقر سازمان ملل متحد به رأی گذارده شد و از سال ۲۰۰۱ لازم الاجرا می‌باشد و تا مه ۲۰۰۱، ۵۸ کشور آنرا امضاء و ۲۴ دولت تصویب نموده‌اند.

هدف این کنوانسیون مقابله با یکی از شایعترین اقسام تروریسم یعنی بمب گذاری تروریستی می باشد. مطابق ماده ۱ کنوانسیون هرکسی به طور غیرقانونی و به عمد و به قصد کشتار یا وارد آوردن جراحت شدید جسمی اقدام به کار گذاشتن یا منفجر کردن بمب یا یک شی آتش زا یا منفجره یا هر شی مرگ آور در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، وسایل نقلیه عمومی یا تأسیسات زیر بنایی نماید، مرتکب جرم شده است. این کنوانسیون نسبت به کنوانسیون های قبلی صلاحیت گسترده تری را به کشورهای عضو برای محاکمه و مجازات اعطا نموده است و تصریح شده است که دولت های عضو نباید موضوع جرائم احصاء شده در کنوانسیون را سیاسی قلمداد کنند.

۱۲- کنوانسیون بین المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم

این کنوانسیون در سال ۱۹۹۹ در شهر نیویورک و در مقر سازمان ملل متحد به رأی گذارده شد و ۴۳ دولت آن را امضا نموده اند. این کنوانسیون یکی از جدیدترین اسناد موجود در این رابطه می باشد.

مطابق ماده ۲ کنوانسیون: هر کس اقدام به فراهم نمودن یا جمع آوری منابع مالی به قصد استفاده یا با علم به استفاده از آنها در یکی از مقاصد زیر نماید مرتکب جرم شده است:

(الف) هر اقدامی که مطابق هریک از کنوانسیون های موجود مقابله با تروریسم، شامل کلیه کنوانسیون های مربوط به مقابله با تروریسم به غیر از کنوانسیون توکیو ۱۹۶۳ و کنوانسیون مونترال ۱۹۹۱ به عنوان جرم شناخته شده است.

(ب) هر عمل دیگری که به قصد کشتن یا وارد آوردن صدمه جسمانی به هر فرد غیر نظامی یا هر فردی

که نقش فعالی در درگیری مسلحانه در صورت وجود درگیری مسلحانه - و یا نسبت ارباب یک جمعیت یا مجبور کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی صورت گیرد.

۱۳- کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تروریسم هسته‌ای

این کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ در شهر نیورک و در مقر سازمان ملل متحد به رأی گذارده شد و ۹۷ کشور آنرا امضا نموده‌اند. این کنوانسیون برای جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به مواد هسته‌ای جهت انجام اعمال تروریستی و مقابله با عملیات تروریستی با استفاده از مواد هسته‌ای می‌باشد (یزدانی، ۱۳۸۶: ۶۷).

بند سوم: کنوانسیون‌های منطقه‌ای در باب تروریسم

گذشته از کنوانسیون‌های چندجانبه جهانی که درمورد تروریسم بین‌المللی تهیه و تصویب شده‌اند چندین موافقت‌نامه مهم منطقه‌ای به منظور مقابله با تروریسم بین‌المللی منعقد و لازم الاجرا شده است که همگی بر اصل استرداد یا محاکمه مبتنی است. کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدامات تروریستی، در قالب جرائم بر علیه اشخاص و اخاذی‌های مرتبط با آن که واجد اهمیت بین‌المللی هستند نخستین سندی است که در فوریه ۱۹۷۱ توسط سازمان کشورهای آمریکایی تهیه و تصویب شد (هرمیداس باوند، ۱۳۸۲: ۷۹). بر اساس این کنوانسیون دولت‌های متعهد پذیرفته‌اند که برای انجام اقدامات مؤثر در چارچوب قوانین خود با هدف جلوگیری و مجازات اقدامات تروریستی به ویژه آدم ربایی، قتل و دیگر تعدیات به جان یا سلامت جسمی اشخاص که طبق حقوق بین‌الملل، دولت موظف به حمایت خاص از آنهاست و همچنین اعمال اکراه و اجبار مرتبط با این جرائم به همکاری با یکدیگر پردازند (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۴۶). هدف اصلی کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم هم که ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ در استراسبورگ منعقد شد خارج ساختن جرائم خاص تروریستی از مقوله جرائم سیاسی است تا آنها را میان دولت‌های عضو، در زمره جرائم قابل استرداد قرار دهد و بدین وسیله فرار از

تعقیب و مجازات را برای مرتکبان چنین جرائمی دشوار سازد. سند دیگر، کنوانسیون منطقه‌ای مقابله با تروریسم است که در چارچوب اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌ای تهیه شد این کنوانسیون که در ۴ نوامبر ۱۹۸۷ در کاتماندو به امضا رسید مانند کنوانسیون اروپایی مقرر می‌دارد که جرائم خاص تروریستی تعریف شده در این کنوانسیون، از جانب دولت‌های عضو اتحادیه یاد شده از حیث استرداد، جرمی سیاسی تلقی نخواهد شد (هادیان، ۱۳۸۴: ۹۳). از دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای ضد تروریسم می‌توان به این موارد اشاره کرد: کنوانسیون اتحادیه عرب برای مقابله با تروریسم (قاهره، ۱۹۹۸)، کنوانسیون سازمان کشورهای اسلامی برای مقابله با تروریسم (بورکینا فاسو، ۱۹۹۹)، معاهده همکاری بین دولت‌های عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع جهت مبارزه با تروریسم (۲۰۰۰) و کنوانسیون همکاری وحدت آفریقا جهت پیشگیری و مبارزه با تروریسم. (۲۰۰۰)

بند چهارم: اصول حاکم بر کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تروریسم

با نگاهی اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای در مورد تروریسم که تاکنون تدوین شده است می‌توان یکسری مشترکات را از آنها استخراج نمود و به بیان دیگر اصول مشترک حاکم بر آنها را فهرست نمود که این امر می‌تواند کمک شایانی به شناسایی نظام حاکم بر تروریسم بین‌المللی نماید.

این موارد عبارتند از:

۱- جرم انگاری مصادیق تروریسم

در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی بدون ارائه تعریفی مشخص از مفهوم تروریسم تنها به ارائه مصادیق به عنوان جرائم قابل تعقیب جرم انگاری شده که این امر (عدم تعریف) به دلیل عدم توافق نظر میان کشورها در این باب می‌باشد که خصوصاً در مورد موضوع تمایز تروریسم با مبارزات آزادی بخش بروز نموده است (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲- مسئولیت فردی

سیستم حاکم بر رژیم حقوقی بین‌المللی تروریسم مبتنی بر محاکمه و مجازات فرد مرتکب فارغ از مقام و موقعیت وی می‌باشد. در واقع در این نظام، افراد حقیقی، هرکسی که باشند مورد نظرند و باید مورد پیگرد قرار گیرند.

۳- غیر سیاسی تلقی کردن جرائم تروریستی

با وجود اینکه اعمال تروریستی در جامعه بین‌المللی به عنوان جرائم بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و در اکثر قوانین داخلی نیز به شدت مورد برخورد واقع شده‌اند با این حال در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی با این جرائم به صراحت به عنوان جرائم غیر سیاسی برخورد گردیده است و این امر در واقع به این دلیل مورد پیش‌بینی قرار گرفته است تا راه سوء استفاده از اصل عدم استرداد مجرمان سیاسی سد گردد و هیچ بهانه‌ای برای عدم محاکمه آنان باقی نماند.

۴- اصل استرداد یا محاکمه

این اصل را باید رکن اصلی رژیم حقوقی مقابله با تروریسم نامید چنانکه دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ضد تروریستی متعهد شده‌اند، متهمین به ارتکاب یا مرتکبین جرائم تروریستی را یا برای محاکمه به مقامات صلاحیتدار خود تحویل دهند و یا در صورت عدم تمایل به محاکمه آنها را به یکی از دولت‌های صالح، برای رسیدگی استرداد نمایند.

۵- اعطای صلاحیت‌های کیفری گسترده به دولت‌های عضو

در نظام بین‌المللی مقابله با تروریسم اختیارات گسترده‌ای به کشورها برای مقابله با تروریسم داده شده است تا بتوانند نسبت به محاکمه آنان اقدام نمایند. در این رژیم علاوه بر صلاحیت سرزمینی، اصل تابعیت فعال و غیر فعال و صلاحیت‌های حمایتی نیز پیش‌بینی شده است و حتی

یک صلاحیت جدید تحت عنوان صلاحیت بر اساس محل توقیف نیز در این نظام مقرر شده است.

۶- محدود بودن مقررات کنوانسیون‌ها به تروریسم بین‌المللی

در واقع نظام حاکم بر رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم به گونه‌ای است که فقط اعمال تروریستی بین‌المللی را در بر می‌گیرند نه تروریسم داخلی پس اگر اقدام تروریستی در قلمرو یک دولت ارتکاب یافته، متهم و قربانیان جرم تبعه آن دولت باشند و متهم در سرزمین آن دولت دستگیر شود می‌توان آن اقدام را تروریسم داخلی قلمداد کرد (مهربان، ۱۳۸۷: ۴۴) و در نتیجه این نوع از اعمال تروریستی با این اوصاف خارج از قلمرو این رژیم قرار دارند.

۷- همکاری و معاضدت قضایی

بخش عمده و مهمی از کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی اختصاص به قواعدی در مورد همکاری دستگاه‌های قضایی کشورهای عضو در مورد تعقیب، دستگیری، محاکمه و مجازات مجرمین دارد.

۸- اتفاق نظر در خصوص موضوع اصلی تروریسم

دولت‌ها، درباره‌ای از موارد ماهیت پدیده تروریسم، اتفاق نظر دارند از جمله در این مورد که موضوع اصلی تروریسم اعمال خشونت آشکار است که با شیوه‌های غیرقانونی و برای دستیابی به هدف‌های سیاسی صورت می‌گیرد؛ هدف از اعمال تروریستی نیز ایجاد اغتشاش در نظم عمومی و تخریب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (محتشمی، ۱۳۷۸: ۱۱).

بخش سوم: ماهیت اقدامات تروریستی داعش

بند اول: طرق و روش عملیات

به رغم دشواری توصیف ماهیت گروه‌های تروریستی تکفیری، توصیف وضعیتی که در کشورهای سوریه و عراق ایجاد نموده اند، دشوار نیست. این وضعیت از نظر حقوقی، «مخاصمه مسلحانه» نامیده می‌شود. شناسائی چنین وضعیتی باعث اعمال بعضی از قواعد حقوق بین الملل میشود که رعایت آنها لازم بوده و نقضشان موجب مسئولیت کیفری ناقضین خواهد بود (شهبازی و جوادی شریف، ۱۳۹۲: ۴۵-۳۷؛ هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۸-۶). یکی از نخستین مؤلفه‌های حقوقی مرتبط با «توصیف» داعش، لزوم تکمیل و تعمیق ماهیت تروریستی آن از منظر نهادهای بین المللی و دولتهاست. به واقع، تروریستی نامیدن این گروه منوط به وجود درجه ای از دیدگاه و اعتقاد با اقدام دولت ها در این زمینه است. در شرایط حاضر، با وجود اقدامات برخی دولتها در زمینه شناسایی داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور)، هنوز سیاست بین المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین المللی و عام الشمول بدهد، اتخاذ نشده است (فران، ۲۰۱۴: ۲۵۷). شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی و همچنین، ارکان نهادهای منطقه ای همچون اتحادیه عرب، سازمان کشورهای اسلامی (بزرگ‌مهری، ۱۳۸۸: ۲۵) و... به رغم اقدامات تروریستی آنها در سوریه در سالهای اخیر، در اتخاذ چنین تصمیمی موفق نبوده و حتی عمدتاً چنین موضوعی را در دستور کار خود قرار نداده اند. این در حالی است که از منظر افکار عمومی جهانی و آن هم متأثر از موج جنایات این گروه علیه غیر نظامیان و غارت اموال آنها و همچنین، اشغال برخی شهرها و روستاهای سوریه و عراق و تهدیدهای این گروه برای ورود به سایر کشورهای منطقه، ماهیت تروریستی آن محرز است و البته این امر، الزاماً بر عناصر الزامی توصیف گروه تروریستی در حقوق بین الملل تأثیرگذار نخواهد بود (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۳-۲).

بند دوم: تهدید صلح و امنیت بین المللی

معیار و مؤلفه‌های حقوقی شناسایی گروه داعش و جنایات ارتكابی آن و نیز تأثیرگذار بر ارزیابی حقوقی بین المللی در این رابطه، توصیف پیامدهای اقدامات این گروه بر صلح و

امنیت بین المللی راهگشا خواهد بود. این ملاحظات مؤید شناسایی داعش و صلح منطقه، از مهمترین پدیده هایی است که ارتباط پیوسته با افکار عمومی جهانی را برقرار ساخته و ظرفیت های آنها را در خدمت به تعمیق یافته ها و توصیه های حقوقی قرار خواهد داد (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳). ماهیت تهدید آمیز و تروریستی اقدامات ارتكابی گروه داعش برای صلح و امنیت بین المللی، از اصل «تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین المللی» نشأت می گیرد که در حقوق ملل متحد و حقوق مبتنی بر رویه بین المللی استوار گردیده است. اقدامات این گروه به ویژه در شرایطی که به نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک دولت قانونی منجر گشته و با نقض اساسی حقوق بنیادین بشر و بشردوستانه بین المللی از جمله کشتار غیر نظامیان همراه شده است، درجه تهدید آمیز بودن این گروه از حیث وضعیت اقدامات ارتكابی، برجسته و تشدید می گردد. در این رابطه، اقدامات این گروه به لحاظ نقض سازمان یافته حقوق بشر و بشردوستانه نیز به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی قابل بررسی خواهد بود (دونل، ۱۳۹۱: ۷۸).

بخش چهارم: سیاست کیفری - تقنینی سازمان ملل در قبال داعش

عملکرد سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم و تکفیر به ویژه گروه داعش بر اساس پیشگیری از ایجاد بحران شکل گرفته است. این سازمان در پی آن است که دولتها بسترهای سیاسی، اجتماعی و .. را به گونه ای فراهم آورند که افراد و گروه ها از توسل به امنیت بین المللی؛ یعنی اولین و مهمترین هدف منشور ملل متحد است. از این رو، در ارتباط با توصیف پیامدهای اقدامات داعش، تحلیل نسبت این اقدامات با تهدید یا نقض صلح و ترور و اشکال آن خودداری کنند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵: ۹۶). همچنین، ممانعت از دسترسی تروریست ها به مواد هسته ای به عنوان تهدید جهانی، در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته است. تروریسم شیمیایی و میکروبی به عنوان تهدیدی بالقوه برای حیات انسانی و محیط زیست، از آن لحاظ قابل توجه است که هزاران آزمایشگاه شیمیایی و میکروبی در سراسر جهان می توانند برای تولید عوامل شیمیایی و میکروبی اقدام کنند و اگر چنین علومی در خدمت تروریستها و

جریان های تکفیری درآید، در آن صورت، بدون شک فجایع انسانی انتظار بشر را خواهد کشید (کریمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵). «کوفی عنان»، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در جلسه ویژه کمیته ضد تروریسم شورای امنیت با سازمان های بین المللی، منطقه ای و فرامنطقه ای در ششم مارس ۲۰۰۳ اظهار نمود: «پاسخ ما به تروریسم و همچنین تلاشهای ما برای پیشگیری از آن باید از حقوق بشر که تروریست ها قصد آسیب زدن به آن را دارند، حمایت کند. حقوق قابل احترام، آزادی های اساسی و نقش قانون در مهار تروریسم، از ابزارهای مهم به حساب می آیند و در هنگام بروز تنش هیچ امتیازی نباید داده شود» شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۷۲۴۲ قطعنامه ۲۱۷۰ در ۱۵ آگوست ۲۰۱۴ تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، شامل یک مقدمه و ۲۴ بند و شش پیوست، علیه شاخه های جدید القاعده در عراق و سوریه شامل گروه داعش و النصره به تصویب رساند. این قطعنامه از این جهت که محدودیت هایی را علیه این گروه ها و حامیان آنها در نظر میگیرد، اقدامی در مبارزه با تروریسم محسوب می شود. از این رو، این قطعنامه ضمن اینکه در شورای امنیت با اجماع اعضای شورای امنیت به تصویب رسید، در خارج از شورا نیز با استقبال کشورهای جهان به خصوص دولتهای سوریه و عراق روبه رو شده که طی سالیان متمادی و به ویژه از سال ۲۰۱۴، بیش از دیگر کشورهای جهان قربانی حملات تروریستی و دیگر اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه های داعش و النصره شده اند. با این حال، در راستای اقدامات دهشتناک و تروریستی داعش، راهبرد و سیاستهای تقنینی شورای امنیت، به ویژه بیانیه ها و قطعنامه های صادره تحت بررسی و ارزیابی قرار میگیرد. البته، برای پیگیری و تعقیب اقدامات تروریستی ارتكابی از سوی داعش، لازم است ضمن تطبیق اقدامات تروریستی با اسناد بین المللی، به ویژه کنوانسیونهای ضد تروریسم و اساسنامه رُم، اقدامات مزبور تحت بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

بند اول: شورای امنیت و سیاستهای دوگانه

عملکرد شورای امنیت و سازمان ملل متحد در دهه اخیر نشان میدهد برخورد این نهادها با موضوع تروریسم همواره گزینشی و دوگانه بوده است (حبیب زاده و توحیدی فر، ۱۳۸۰: ۴۳).

شورای امنیت در مورد گروه داعش تا کنون دو بیانیه مطبوعاتی رئیس شورا و یک قطعنامه (قطعنامه ۲۱۷۰) به اتفاق آرا صادر کرده است. در این اسناد، هرچند داعش به عنوان گروه تروریستی شناخته شده، اما از مقوله جنایات جنگی این گروه تروریستی در مناطق مختلف عراق نامی به میان نیامده است. در واقع، پس از بررسی و ارزیابی اسناد مصوب از سوی شورای امنیت (به ویژه قطعنامه ۲۱۷۰) راجع به گروه داعش موارد زیر قابل استنباط است:

الف. داعش، به عنوان گروه تروریستی تلقی شده است؛

ب. تهدیدهای داعش در سه بُعد مردم عراق، کشور عراق و منطقه محرز شده است؛

ج. این گروه تروریستی تحریم شده است؛

د. آثار غیر انسانی اقدامات این گروه در عراق که همراه با حملات مسلحانه بوده، محرز و شناسایی شده است؛

ه. خرید نفت از داعش ممنوع اعلام شده است؛

ر. تردد اعضای داعش و استفاده از قلمرو دولتهای منطقه، ممنوع شده است.

با وجود این، افزون بر اقدام شورای امنیت در این زمینه، تنظیم یک بیانیه مطبوعاتی از سوی رئیس دوره ای شورای امنیت است؛^۱ بیانیه در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ به وسیله «ویتالو چورکین» رئیس دوره ای شورای امنیت به صورت مطبوعاتی ارائه شده است.

بیانیه مزبور میان اسنادی که شورای امنیت منتشر میکند، دارای پائین ترین درجه اهمیت بوده و فاقد اعتبار حقوقی است. با این حال، شورای امنیت در این موارد تلاش کرده با واکنش مطبوعاتی به یک سلسله پدیده‌های بین المللی، خود را از اتهام «عدم رسیدگی» یا «چشم پوشیدن بر تحولات» مبرا سازد. در واقع، شورای امنیت از اینکه اقدامات تروریستی داعش را در قالب دیگر مفاهیم امنیتی و حقوقی بتوان توصیف کرد، پرهیز نموده است. در این رابطه،

سه مفهوم ویژه در حقوق بین المللی به ویژه در پرتو کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، وجود دارد:

الف. «حمله مسلحانه»؛ همان مفهومی که در ماده ۵۱ منشور مقرر گردیده و اجازه دفاع مشروع را در مقابل آن میدهد (طالقانی و نمایان، ۱۳۹۳: ۸۱).

ب. «درگیری مسلحانه»؛ مفهومی که حکایت از مخاصمه غیر بین المللی یا بین المللی می‌دهد و در نتیجه، با اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه (از جمله حقوق بشردوستانه) همراه خواهد بود. در پرتو همین وضعیت است که ارتکاب جنایات علیه غیر نظامیان یا غارت اموال آنها، تحت عنوان جنایت جنگی قابل تعقیب خواهد بود (سرتیبی، بردبار و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷).

ج. «حمله تروریستی» مفهومی؛ که صرفاً مؤید وجود یک گروه تروریستی و اقدامات آن به صورت مسلحانه علیه امنیت گروه یا منطقه در یک کشور است و البته در مورد تروریسم بین المللی، این گستره به صورت فراملی خواهد بود.

شورای امنیت با اتخاذ سیاستی دوگانه راجع به ماهیت و مفهوم اقدامات تروریستی داعش، تنها بر مفهوم سوم (حمله تروریستی علیه گروهی از مردم عراق و یا مناطق آن) تأکید نمود. البته، اقدامات تروریستی داعش در مورد تهدید سایر کشورهای منطقه را هم تحت عنوان «تهدید منطقه» تصریح کرده، ولی هیچ سازوکاری متناسب با واکنش به یک تهدید آینده منطقه‌ای مقرر ننموده است. در این زمینه، البته دولت عراق میتواند حقوق و راهبردهای ملی خود علیه تروریسم را در ابعاد مختلف اعمال و اجرا نماید. با این حال، عراق بعد از اشغال، هنوز قادر به ایجاد رویه حقوقی ضد تروریستی نبوده و از ضعفهای مهمی رنج میبرد و فاقد ساختارهای هنجاری، پیگیری و اقدام ضد تروریستی است.

د. «جنایات داعش»؛ شورای امنیت در این بیانیه، موارد متعددی از جنایات این گروه را در کشتار غیر نظامیان و نیروهای پلیس؛ آواره کردن صدها هزار نفر از سکنه عراق، ناپدیدشدن

گسترده مردم؛ گروگانگیری مأموران کنسولی و سیاسی دولتهای خارجی نام برده است. با این حال، هیچ یک از موارد فوق را تحت عنوان «جنایت بین المللی» نشمرده و تنها به مثابه «حمله تروریستی» یا «اقدام تروریستی» تلقی کرده است (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳). با این حال، شورا نسبت به مؤلفه‌های حقوقی زیر اقدام و تصمیمی را اتخاذ نکرده است:

الف. اقدامات نظامی داعش در برابر ارتش عراق، به عنوان درگیری مسلحانه غیر بین المللی تلقی میشود. البته، شورا به طوری کلی نسبت به نقض حقوق بشردوستانه توسط داعش، نظر داده که میتواند تلویحاً به معنای قبول ماهیت درگیری مسلحانه در توصیف عملکرد داعش و وضعیت عراق باشد. با اینکه نقض‌های گسترده‌ای از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به ویژه غیر نظامیان، زنان و کودکان و اقلیتها و همچنین، نمایندگان سیاسی دیگر کشورها و حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی مطرح شده، شورا دقیقاً ارتکاب جنایات بین المللی اعم از جنایات جنگی یا علیه بشریت را احراز نکرده است (نمایان و طیبی، ۱۳۹۱: ۱۸).

ب. با وجود این، احراز جنایات بین المللی اقدامی حقوقی و منوط به رسیدگی‌های قضایی است، اما بر اساس گزارشهای متعدد بین المللی، اعم از دولتی و غیر دولتی، ارتکاب جنایات جنگی و علیه بشریت شامل اعدامهای خودسرانه، قتل افراد غیر نظامی، غارت اموال عمومی و خصوصی، تخریب آثار تاریخی و مذهبی، کشتار اعضای گروههای مذهبی و قومی به ویژه اقلیتها، تجاوز جنسی به العنف، ارباب جمعیت غیر نظامی، صدور دستور قتل عام بدون امان، محرز شده است (نمایان، ۱۳۸۶). انتشار گسترده تصاویر مربوط به این جنایات در سطح بین المللی، هر گونه تردید در خصوص این جنایات را منتفی کرده است. از این رو، شورا میتواند به طرق زیر در برابر این «وضعیت» اقدام نموده و به اتخاذ تصمیم پردازد: الف. محکومیت نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه و احتمال ارتکاب جنایات بین المللی توسط داعش؛ تشکیل کمیته حقیقت یاب در رابطه با جنایات بین المللی داعش؛

ج. درخواست از دیوان بین‌المللی کیفری برای بررسی جنایات بین‌المللی در درگیری غیر بین‌المللی داعش در عراق از آغاز تا کنون.

بنابراین، آنچه مطابق مفاد بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت به ذهن متبادر می‌گردد، این است که بیانیه مزبور از به کار بردن ماهیت اقدامات خشونت آمیز تروریستی گروه داعش خودداری نموده و فقط از گروگانگیری و ناپدید شدن صدها هزار نفر و تلاش این گروه برای ایجاد بی‌ثباتی در عراق سخن به میان آمده است. دلیل اصلی این امر هم آن است که سعی شده مطالبی در بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت عنوان شود که در نهایت از ورود به فصل هفتم منشور شورای امنیت جلوگیری شود. اقدامات تروریستی داعش با قوانین فعلی و حقوقی عراق قابل بررسی و رسیدگی است، اما شورای امنیت با بیانیه مطبوعاتی خود بار مسئولیت در قبال داعش را بر عهده دولت عراق قرار داده و از اینکه جامعه بین‌المللی مسئولیتی را برای مقابله با این گروه بپذیرد، جلوگیری کرده است. با وجود این، شورا نمی‌بایست به تروریست انگاشتن این گروه و اتخاذ تدابیر تحریمی و کنترلی این گروه در قالب قواعد ضد تروریسم اکتفا میکرد، بلکه اقدامات تروریستی داعش در عراق که با تشکیل دسته جات نظامی، تجمع تجهیزات سنگین جنگی و غارت انبارهای نظامی عراق در مناطق تحت اشغال و همچنین، تجهیز از منابع دولت خارجی همراه بوده، دارای سطح درگیری مسلحانه غیر دولتی است. شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ جولای ۲۰۱۴، داعش را به عنوان گروه تروریستی شناخته و نسبت به حمله‌های گسترده تهاجمی این گروه و گروه‌های تروریستی وابسته به آنها که به خسارات شدید انسانی منجر گردیده، ابراز نگرانی جدی کرده، اما تمرکز اصلی شورا در این قطعنامه عمدتاً بر سرزمین و وحدت ملی عراق بوده و خسارات و صدمات انسانی اقدامات این گروه آن گونه که بایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. کمیسیون عالی حقوق بشر عراق که نهادی دولتی است، با صدور بیانیه ای مقرر داشته عناصر داعش نسل کشی و جنایات ضد بشری علیه اقلیتها در عراق مرتکب شده اند و این امر ایجاب میکند جامعه بین‌المللی جلسه فوری شورای امنیت و شورای حقوق بشر ملل متحد در ژنو را برگزار کند تا جنایات داعش

علیه اقلیتها و سایر اقشار مردم عراق را نسل کشی و جنایت ضد بشری قلمداد و عاملان آن را در دیوان بین‌المللی کیفری مورد پیگرد و مجازات قرار دهد. افزون بر اقدامات مزبور، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۱۷۰ بر نقض گسترده و سازمان یافته حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط گروه تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» و «جبهه النصره» در قلمرو سرزمینی عراق و سوریه تأکید نمود.

بند دوم: رسیدگی به اقدامات تروریستی داعش در محاکم کیفری بین‌المللی

جنایات ارتكابی داعش بر کسی پوشیده نیست؛ جنایاتی که در سوریه و عراق رقم خورده و مورد تأیید کشورهای داعیه دار حقوق بشر هم قرار دارد. بنابراین، اقدامات تروریستی داعش سبب شده ضمن بروز مخاطرات جهانی، ائتلافی در بیش از چهل کشور جهان برای برخورد با گروههای تروریستی در عراق و سوریه به وجود آید. با توجه به پیوستن تروریستهای خارجی به داعش و النصره از طریق سربازگیری و حمایت مستقیم مالی از آنان، ضمن تحریم شش نفر از اتباع عربستان، کویت، الجزایر و عراق، تدابیر مهم اجرایی از قبیل انسداد اموال، منع سفر و تحریم تسلیحاتی برای افراد گروههای داعش، جبهه النصره و نهادهای وابسته به القاعده و نیز حامیان مالی و کلیدی آنان پیش بینی و در این قطعنامه ذکر شود تا اقدامات مذکور به فوریت اجرایی شوند (بوجاری، ۱۳۹۳: ۲۷). اولین جنبه رسیدگی به اقدامات تروریستی داعش از حیث حقوق مبارزه با تروریسم بوده که در این زمینه، احراز و اثبات تروریستی بودن جنایات ارتكابی در چارچوب معیارهای بین‌المللی است. از این رو، دو معیار برای شناسایی هر گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد:

معیار اول، اینکه اگر ماهیت گروه بر خلاف حقوق بین‌الملل باشد، میتواند گروه را تروریستی جلوه دهد.

معیار دوم، اقدامات گروه است که داعش بر مبنای هر دو معیار تروریستی محسوب میشود و بر همین اساس، لازم است دولت عراق و سایر دولتها از طریق شورای امنیت سازمان ملل تلاش

کنند ضمن درج نام داعش در لیست سازمانهای تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال گردد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۲۶).

شورای امنیت سازمان ملل متحد از کلیه دولتها درخواست کرده وفق قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳، مقابله با سازمان دهندگان و تأمین کنندگان اقدامات تروریستی، ضمن همکاری با این نهاد بین المللی، تدابیر ملی را به منظور پیشگیری از سرازیر شدن تروریستهای خارجی به عراق و سوریه به کار گیرند. به علاوه، از هر گونه تأمین مالی برای اقدامات تروریستی پیشگیری نموده و مانع از فراهم شدن حمایتهای مالی از گروههای تروریستی مذکور شوند. همچنین، شورای امنیت از سایر دولتها خواسته هیچ گونه دارایی مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم در اختیار گروههای تروریستی مذکور قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هر گونه کمک یا خدماتی در این زمینه منع کنند (نمایان و عباسی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۴). مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هر گونه مبادله مستقیم یا غیر مستقیم با گروههای تروریستی، بر قرار گرفتن مجرمین در فهرست تحریمها تأکید شده است. همچنین، این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما برای انتقال طلا و دیگر اقلام باارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین المللی در نواحی تحت کنترل داعش، اقدامات خاطیان را سبب انسداد دارایی آنان برشمرده و اینکه شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به سایر کشورهای جهان در چارچوب حقوقی و اجرایی قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیریها و النصره را هدف قرار داده، پیروی کرده و تحریم را به عنوان ابزار مشترکی در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروههای تروریستی به کار گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۳: ۵۸). این قطعنامه درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی داعش که در شکل گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته اند و در قبال جنایات آنها دارای مسئولیت بین المللی هستند، اعلام داشته که به دلیل فراملی بودن آثار جنایات تروریستی داعش، به طور قطع کشورهایی که در روند شکل گیری و حمایت از گروههای تروریستی مذکور به هر طریقی دخالت داشته اند، به

موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (کاسی و هابر، ۲۰۱۴: ۱۳۶). در واقع، طبق قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال و اقدامات تروریستی گروه‌های مذکور به سبب تأثیرات اقدامات جنایتکارانه، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی این شورا محکوم شده است. بنابراین، طبق اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مذکور، به دلیل زمینه‌ساز شدن نقض مقررات بین‌المللی، موجبات مسئولیت و تعقیب این گروه از کشورهای حامی گروه‌های تروریستی فراهم بوده و دولتهای عراق و سوریه می‌توانند علیه این کشورها در محکمه بین‌المللی اقامه دعوی کنند. اقدامات تروریستی مطابق قواعدی در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت مقرر در ماده ۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. بر این اساس، اقدامات تروریستی که به میزان کافی گستره و سازمان یافته و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، می‌تواند در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت قرار گیرد. البته، این رویکرد با موانعی جدی روبه‌روست؛ از جمله اینکه، از ارکان تروریسم، قصد اشاعه رعب، هراس، وحشت یا مرعوب ساختن جمعیت، یا وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی برای ارتکاب فعل یا ترک فعل است. اگر قرار بود در چارچوب ماده ۷ اقدامات تروریستی مقابله شود، هیچ گزارش خاصی از این معیار اخذ نمی‌شد. افزون بر این، ماده مزبور تروریسم و مبارزات رهایی‌بخش ملی را تفکیک ننموده است (صابر و صادقی، ۱۳۹۲). با وجود این، ماده ۱۲ اساسنامه سه احتمال مفروض است (فهیم دانش، ۱۳۹۴: ۱۲). افزون بر این، در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری، مخاصمات کنونی در عراق و سوریه، مخاصمه غیر بین‌المللی محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه برخی از قواعد مذکور در اسناد حقوق بشردوستانه جنبه عرفی داشته‌اند، هر گونه تخلف از معیارهای عرفی مربوطه می‌تواند جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت محسوب شود و مرتکبین و حامیان جنایات اخیر در عراق و سوریه مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند. از این رو، می‌توان اقدامات داعش را منطبق با تعریف نسل‌کشی برابر آنچه در ماده یک کنوانسیون نسل‌کشی مقرر شده قلمداد نمود و خواهان اقدامات حقوقی مؤثر در سطح جهانی برای پیشگیری از استمرار ارتكابی این گروه شد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۵۱).

البته، تأسیس یک محکمه کیفری بین المللی ویژه برای سوریه با صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت میتواند جایگزینی برای محاکمه تروریستهای تکفیری در دیوان باشد. تأسیس چنین دادگاهی با دو ایراد عمده مواجه است (آقای جنت مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۵۶).

نخست، ایجاد آن به اراده شورای امنیت بستگی دارد. بنابراین، با امتناع شورای امنیت از ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین المللی، بعید است اراده کافی برای تأسیس نهاد کیفری بین المللی ویژه بحران سوریه وجود داشته باشد.

دوم، یکی از دلایلی که دیوان کیفری بین المللی تأسیس گردید، پرهیز از دادرسی های طولانی و پرهزینه بودن محاکم کیفری ویژه بوده است؛ چراکه تشکیل مجدد چنین دادگاهی به رغم وجود دیوان، نوعی ارتجاع و بازگشت به گذشته خواهد بود. علاوه بر این، تأسیس محکمه کیفری مختلط در سوریه بستر ساز مقابله با بی کیفری و اجرای عدالت در فقدان محاکمه در دادگاه های داخلی سوریه و دیوان خواهد بود. یکی از ویژگی های این محاکم، ترکیب قضات و پرسنل ملی و بین المللی است، به شکلی که قضات و مشاوران بین المللی میتوانند در کنار کارمندان داخلی کار کنند. در واقع، مشارکت قضات بین المللی نه تنها باعث میشود قضات این دادگاه در فرض تشکیل از درجه تخصص بیشتری برخوردار باشند، بلکه سبب میشود رعایت اصل بیطرفی در دادرسی بهتر تضمین گردد.

نتیجه گیری

مطالعه تروریسم کار بسیار دشواری است. برخی اوقات نمی توان برای این واژه، معادل مفهومی مناسبی پیدا کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد، به عنوان تنها مرجعی که حق استفاده قانونی از زور در تعاملات بین المللی را داراست، در حالی اختیارات و وظایف خود در مبارزه با تروریسم را گسترش می دهد، که هنوز هیچگونه تلاشی نه از سوی کشورهای که داعیه دار بودن مسئولیت جهانی در مبارزه علیه تروریسم بین المللی را دارند، و نه از سوی هیچیک از نهادهای این سازمان، برای ارایه تعریفی مشخص، جامع الاطراف، و فراگیر که با اجماع

بین‌المللی همراه باشد، صورت نگرفته است. عدم تعریف تروریسم عملاً باعث شده است تا طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی در چارچوب تروریسم تعریف شده و مشمول قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۰ قرار گیرند. ضمن آن که مشکل تفکیک و تمایز میان نهضت‌های آزادیبخش و تروریسم همچنان باقی است و دست کشورها را در بکارگیری مکانیسم‌های بعضاً سرکوب‌گرایانه در برابر اقدامات و حتی شورش‌ها و اعتراضات داخلی باز می‌گذارد. این رویه زمانی مشکل‌ساز خواهد شد که قطعنامه ضد تروریسم در شورای امنیت با قید ممنوعیت اقدام به استفاده از زور علیه غیرنظامیان توسط دولت‌ها تصویب شده و آن را در زمره اقدامات تروریستی جای دهد. در این حالت با توجه به این که طبق گفته دبیرکل سازمان ملل، اقداماتی که باعث نقض حقوق بشر می‌شوند، از مصادیق تروریسم محسوب می‌گردند، شورای امنیت می‌تواند توسل به زور یا مداخلات بشر دوستانه علیه این کشورها را در دستور کار خود قرار دهد. در عین حال تفسیر موسع از قطعنامه‌های شورای امنیت در این خصوص، عملاً می‌تواند حاکمیت دولت‌ها را با چالش همراه سازد. به عنوان مثال، قطعنامه ۱۳۹۰ دولت‌های عضو سازمان ملل را ملزم به طراحی یک سیستم نظارتی داخلی و تبدیل فعالیت‌های ضد تروریستی به یک قانون داخلی، و همچنین ایجاد یک کمیته نظارتی برای نظارت بر فعالیت دولت‌ها و سازمان‌ها می‌کند، که به نظر می‌رسد تا حدود زیادی از حاکمیت دولت‌ها در اداره امور داخلی آنان کاسته و فعالیت آنان را تحت نظارت نهادی قرار می‌دهد. با استفاده از این قطعنامه و کمیته پیشنهادی آن که اکنون دارای اداره اجرایی نیز شده است، می‌توان برای نظارت فراساختاری بهره فراوان برد. در عین حال مخالفت دولت‌ها با این سیستم و یا عدم همکاری مناسب با آن می‌تواند دولت مورد نظر را متهم به حمایت از تروریسم نماید. سیستم نظارتی مزبور می‌تواند تا حدود زیادی خارج از کنترل دولت به نظارت بر اوضاع داخلی کشورها پرداخته و در صورت عدم همکاری این کشورها، آنان را در زمره کشورهای حامی تروریسم قرار داده و مجازات‌هایی را برای آنان فرض نماید.

فراگیر بودن قطعنامه‌های ضد تروریسم سازمان ملل نیز از جمله مواردی است که عملاً با اصل حاکمیت و استقلال دولت‌ها در تعارض قرار دارد. با وجود آن که این قطعنامه‌ها فاقد یک مبنای اجماعی است که تمامی دولت‌های عضو بر سر آن اتفاق نظر داشته باشند، اما در تمامی این قطعنامه‌ها از تمامی دولت‌های عضو می‌خواهد که به تعهدات خود در این قالب عمل کنند. ضمن آن که این قطعنامه‌ها برای مبارزه با تروریسم، تعهدات دولت‌ها را از محدوده سرزمینی فراتر برده و حتی در شرایطی، مداخله را به عنوان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها قلمداد می‌کند. به عنوان مثال، حمله آمریکا به یکی از روستاهای شمال پاکستان با هدف از بین بردن بخشی از نیروهای القاعده، اگرچه نقض حاکمیت یک کشور و اقدام به استفاده از زور علیه یکی از اعضا نظام بین‌المللی محسوب شده و بر مبنای قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ و با استناد به رأی دیوان داوری در خصوص قضیه نیکاراگوا در سال ۱۹۸۷ مصداق بارز عمل تجاوز محسوب می‌گردد، اما عملاً با هیچ واکنش منفی مواجه نشده و در قالب مبارزه با تروریسم نیز جای گرفته است. در صورت تکرار این روند و تبدیل آن به یک رویه پذیرفته شده بین‌المللی (که مصادیق آن بتدریج در حال افزایش است) باید انتظار گسترش نوعی جنگ کم شدت در میان کشورهایی که بعضاً بر روی خطوط قومی یا نژادی و مذهبی قرار دارند، بود. دوگانگی در برخورد با تروریسم نیز یکی از معضلات بزرگی است که دست کشورها را در انجام اقدامات ضد انسانی، به ویژه نسل کشی، باز می‌گذارد. درحالی‌که شورای امنیت سازمان ملل نیز در این مورد قطعنامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) را صادر کرده است که هدف از آن درخواست از کشورهای عضو برای مخالفت و توقف با تبلیغات مخرب و محرک تروریسم و به ویژه اقداماتی نظیر نسل کشی و فشار همراه با ظلم نسبت به غیرنظامیان است، اما رفتار این شورا با رژیم صهیونیستی همراه منعطف بودن. این روند در جریان جنگ ۳۳ روزه و یا اقدامات ضدانسانی صورت گرفته در غزه کاملاً واضح و مشخص بود. بحث هماهنگ‌سازی سیاست‌های امنیتی کشورها در بعد امنیت داخلی، به ویژه یکسان‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، کمک به کنترل مرزها و انجام اصلاحات هماهنگ در نیروی پلیس که در گزارش «به سوی جهانی امن» به آنان اشاره شده، عملاً دولت‌ها را با اصلاحاتی شالوده‌شکنانه در ساختارهای

رسمی خود مواجه می‌سازد که با اصل حاکمیت و صلاحیت نهایی دولت در محیط داخلی مغایر است. تمامی کنوانسیونهای ضد تروریسم، اعم از جهانی و منطقه‌ای، ضمن بیان اعمال تروریستی مختلف سعی دارند، با ایجاد یک سیستم اجرایی مؤثر، زمینه اعمال مجازات نسبت به مجرمان تروریست را فراهم ساخته و به راههای ممکن، آنها را به دست عدالت بسپارند. در این کنوانسیونها یک سیستم اجرایی غیر مستقیم برای رسیدگی به جرائم تروریستی ایجاد شده است. در این سیستم اجرای مقررات از طریق حقوق کیفری ملی کشورها صورت می‌گیرد و دولتهای عضو کنوانسیون ملزم به همکاری با یکدیگر در تعقیب و مجازات مجرمان هستند. کنوانسیونهای ضد تروریسم از دولتهای عضو می‌خواهند تا نسبت به استرداد متهمان، به دولتهای صلاحیت‌دار و یا مجازات آنها بر اساس قوانین ملی خود اقدام نمایند. با این حال، این سیستم به برخورد با متهمان در اعمال تروریستی و کنترل تروریسم موفق نبوده است. مقررات کنوانسیونها از سوی دولتهای عضو که مایل به مبارزه جدی با تروریسم نیستند، نادیده گرفته می‌شود و هنگامی که دولتهای عضو از انجام تعهدات خود در مورد استرداد یا مجازات مجرمان خورنداری می‌کنند، هیچ گونه مکانیزم مؤثری برای اجبار دولت خاطی، در عمل به تعهدات وجود ندارد. معاهدات موجود به راحتی از سوی دولتهای عضو که در عمل به تعهدات خود، ملاحظات سیاسی را در نظر می‌گیرند، نقض می‌شود. بنابراین لازم است که سیستم حقوقی مؤثرتری برای تضمین عدالت و هماهنگی سیاستها در مقابله با دولتهای حامی تروریسم ایجاد شود. با این حال واضح است که در شرایط موجود، سیستم مندرج در کنوانسیونهای ضد تروریسم می‌تواند با همکاری بین المللی تقویت گردیده و در مقام اجرا مؤثر واقع شود. همکاری بین المللی، ابزار مناسبی برای پاسخ به تروریسم و حل مشکل صلاحیت است. این همکاری می‌تواند از طریق تسهیل مبادله اطلاعات در مورد پیشگیری، سرکوبی و مجازات اعمال تروریستی و همچنین بازداشت، محاکمه و استرداد مجرمان باشد. علل و عواملی که باعث گسترش تروریسم شد در یک نگاه سریع به این که دیگر قابل تلخیص است که:

۱- در درجه ی اول ظاهراً تنها روند تحولات شبکه‌های بین‌المللی مجرمانه را باید در نظر گرفت، مثل: شبکه‌های مافیایی، مافیا، سازمان مجرمانه ایتالیایی بود و هست، اما منظور از شبکه‌های مافیایی، آن مجموعه و اجتماع خاص نیست، بلکه منظور سازمان‌های مجرمانه بین‌المللی هستند که اساسنامه دارند، یعنی مقررات داخلی دارند و سازماندهی شده هستند، مدیریت دارند، قواعد خاص خود را دارند حتی محاکمات و مجازات در داخل سازمان انجام می‌شود و به زبده‌ترین فعالیت این‌ها کسب درآمد است.

۲- در دهه‌های اخیر، ایدئولوژی‌های برتری جو در سطح بین‌المللی، تروریسم را مورد استفاده قرار داده‌اند، سابقه این امر به زمانی برمی‌گردد که جهان دوقطبی نبود، با این وجود، این پدیده در حال توسعه است و یکی از عوامل آن توسل ایدئولوژی‌های برتری جوست که در مقاطع مختلف دنیا هستند، و از این شیوه استفاده می‌کنند.

۳- حمایت مستقیم یا غیرمستقیم بر اعمال تروریست است. حمایت و سازماندهی تروریسم و تأمین منابع مالی تروریسم، متأسفانه گاهی از طرف دولت‌ها اتفاق می‌افتد و چون دولت‌ها توانایی هایشان در این زمینه وسیع است، دامنه اعمال تروریستی هم افزایش پیدا می‌کند.

۴- دسترسی به سلاح‌های مخرب بر اثر فروپاشی همسایه شمالی کشور ما و پخش اطلاعات علمی مربوط به سلاح‌ها، یکی دیگر از موجبات است که انجام تروریسم را تسهیل کرده و در نتیجه دامنه تروریسم را گسترش داده است.

۵- سیستم بین‌المللی حاکم بر دنیا که هدف اول آن جلب منفعت است و اینکه این منفعت از چه طریقی جلب می‌شود، برای آن مهم نیست و اهمیت اسرار بانکی و حساب‌های نمره دارد (سوئیس بهترین مثال در این زمینه است) یکی از علل و عوامل تسهیل کار تروریسم و توسعه فعالیت آن به دهه‌های اخیر بوده است.

۶- گسترش ابعاد استفاده از رایانه ها، سهل الوصول شدن تروریسم و عملیات تروریستی از راه دور، از طریق رایانه ها نیز از عوامل موثر هستند و گسترش رایانه ها به تروریستها این اجازه را داده که بدون نیاز به جابه جایی و تنها با نشستن در یک محل امن، عملیات تروریستی را هدایت کنند. عوامل هم تاثیری ندارد، چون مرکز در جای دیگری قرار دارد.

۷- قطعا، آثار تک قطبی شدن جهان را در این امر نمی توان انکار کرد. ظلم هایی که به بعد از تک قطبی شدن جهان، خصوصا به بعضی از اقوام وارد شده و می شود، باعث شده که عکس العمل آنها که هیچ وسیله دفاعی از خود ندارند، در قالب عملیات تروریستی واقع بشود، این عمل موجه است، ولی تعاریف حقوقی که هنوز پا برجاست آنها را مصداق تروریسم می داند.

در ابتدای قرن بیست و یکم مسأله تروریسم جدی ترین چالش برای تقوت سازمان ملل در خصوص اجرای اصول مشترک حقوقی در برابر کلیه ملت ها اعم از بزرگ، کوچک، ضعیف یا قدرتمند می باشد. مجالی که طی آن سازمان ملل این چالش را مورد بررسی قرار می دهد و روش انجام اقدام جمعی علیه تروریسم، آینده سازمان ملل را در سیستم جهانی تعیین خواهد کرد. در واقع، این سازمان جهانی در تلاش برای ایجاد تعادل میان سیاست های قدرت دولت به ملت های حاکم و ضرورت اقدام جمعی مطابق با منشور، باید گامی محکم و اساسی بر دارد. اما نکته مهم در نظم جهانی جدید در شرایط تک محوری و تک قطبی این است که سازمان ملل متحد چگونه قادر خواهد بود تا حاکمیت قانون را به گونه ای جهان شمول و به هم پیوسته اعمال نمایند به نحوی که اصل برابری حاکمیت دولت ها از جمله اصل عدم مداخله مراعات گردد و در همان حال کلیه بازیگران در عرصه بین المللی تابع معیارها و ضوابط مشابه در خصوص مشروعیت اقدامات سیاسی شان در برابر یکدیگر باشند. تنها وقتی سازمان ملل در این مأموریت موفق خواهد شد که حفظ صلح جهانی و "نجات نسل های آینده از آفت جنگ" که به صورت مشخص در مقدمه منشور ذکر شده، ممکن و میسر باشد.

اما این چالش را نمی توان با استفاده از اسناد ایجاد شده بر مبنای تعادل قدرت در سال ۱۹۴۵ یعنی به وسیله همان منشور منعکس کننده ضروریات عرصه پیشین، رفع نمود. سازمان ملل متحد تنها و در صورتی می تواند این مأموریت را انجام دهد که از طریق یک اصلاح دموکراتیک اساسی - نه تک قطبی و یا دو محوری بلکه چند محوری، یک سیستم جامع و یکپارچه حقوق بین الملل بشر دوستانه که در آن هنجارهای تنظیم کننده تعریف و مجازات جنایت تروریسم جزء غیر قابل تفکیک باشند، ایجاد کند و به ساختار تک قطبی نظم جهانی کنونی و ته تهدید تروریسم علیه صلح و ثبات، خواه در سطح ملی یا بین المللی - نباید به عنوان عملی مقبول و مشروع پذیرفته شود. همانند سال ۱۹۴۵، سازمان ملل متحد در آغاز هزاره سوم باید مجدداً ملل جهان را در پی گیری سیستمی از هنجارهای مشتمل بر رویه دولت ها و پیوند دهنده آن با ضروریات نظم بین المللی مسالمت آمیز هم که در آن هیچ دولت، گروه یا فردی از قواعد اساسی حقوقی مستثنی نخواهد بود، دور هم جمع کند. در چنین سیستمی هیچ شرط و تحفظی نمی تواند نه برای دولت و نه جنبش اقدام کننده علیه یک دولت، وجود داشته باشد؛ تروریسم دولتی نمی تواند دشمن آزادی دولت دیگر باشد و به عکس، حتی اگر در وضعیت کنونی امور بین المللی، بسیار ایده آلی یا آرمانی به نظر برسد، از دید شهروندان جهان، هر گونه مشروعیت این سازمان بین المللی به التزام دایمی و مصرانه به حاکمیت قانون بستگی خواهد داشت. طی نیم قرن گذشته، جامعه جهانی توجه شایسته ای به موضوع تروریسم داشته و با تولید اسناد و ادبیات ذیربط در سطوح مختلف از کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای تا قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، ابعاد گسترده ای از این پدیده را با رویکرد ترغیبی و سپس تکلیفی پوشش داده است. در عین حال در ضعف اساسی در این روند مشاهده می شود که موید انگاره پژوهش حاضر است:

یکم- عدم توازن: بررسی میزان توجه به ابعاد مختلف موضوع تروریسم، نوعی عدم توازن محسوس را نشان میدهد. بعنوان نمونه، جامعه جهانی تأکید همه جانبه و شایسته ای بر بعد حقوق بشری تروریسم و مقابله با آن داشته اما عیلرغم تصریح قطعنامه های مکرر بر رابطه

قاچاق مواد مخدر و تروریسم، عملاً حتی یک قطعنامه الزام آور مجمع عمومی نیز در این زمینه تصویب نشده است.

دوم - خلاء تعریف تروریسم و نادیده گرفتن مبارزات مشروع: عدم ارائه تعریفی منسجم از تروریسم و نادیده گرفتن ضرورت تفکیک میان مبارزات آزادیبخش با تروریسم دو مانع بزرگ تلاش جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم بوده است. در واقع هر دو موضوع ارتباط معناداری با همدیگر دارند زیرا بدون وجود تعریف روشنی از تروریسم، تفکیک میان یک اقدام در چارچوب مبارزات آزادی بخش و یک عملیات تروریستی ممکن نیست. طبعاً توسل به اقدامات تروریستی در مبارزات آزادی بخش مردود است. اما از آنجایی که در حقوق بین الملل، همچنان دولت بعنوان نهاد قانونگذار و مجری قانون حقوق بین الملل تلقی می شود، ابهام در مرز مبارزات آزادی بخش و تروریسم موجب می شود هر دولتی و بویژه دولت های اشغالگر، بتواند به مخالفین خود اتهام تروریستی وارده نموده و در این چارچوب با آنها برخورد نمایند. طبعاً این وضعیت علاوه بر مشکلاتی که در چارچوب مفاهیم حقوق بشردوستانه برای مبارزه با تروریسم ایجاد می نماید، بطور اخص حق مقاومت در برابر اشغال و مبارزه برای حق تعیین سرنوشت بعنوان دو حق مسلم حقوقی را نیز نادیده می گیرد و از این ناحیه، مبانی حقوقی مبارزه با تروریسم را مخدوش می نماید. آنچه نگرانی در این زمینه را بیشتر می کند، حذف ادبیات مربوط به مبارزات آزادی بخش از اسناد بین المللی و بویژه سازمان ملل متحد است. شاید مدافعان این وضعیت استدلال کنند که حذف این ادبیات به دلیل مسائلی چون اتمام دوره استعمار، از بین رفتن رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی باشد لیکن اول یک جستجوی ساده در فضای مجازی نشان می دهد که همچنان فهرست قابل توجهی از سرزمین های وابسته وجود دارد که نادیده گرفتن خواسته مردم آنها برای استقلال مغایر با بدیهیات اصول حقوق بشر است. ثانیاً قطعنامه های متعدد شورای امنیت بر وجود وضعیت اشغال در فلسطین اشغالی و قبرس شمالی تصریح دارد و سوم به لحاظ نظری امکان پیدایش این وضعیتهای در نقاطی از جهان منتفی نیست. لذا نادیده گرفتن آن مغایر با منطق حقوق است.

پیشنهادهای

۱- تروریسم را باید به عنوان یک پدیده ی اجتماعی تلقی کرد (اعم از داخلی یا بین المللی) و در پی شناخت علل و عوامل آن بر آمد و مبارزه را ریشه ای شروع کرد، نه سر شاخه ای وسطی. مثل: مواد مخدر و استعمال آن که در کشور گسترش پیدا کرده است، اعتیاد زیاد شده است. عده ای راه حل می دهند که معتادین را از بین ببریم یا مجازات را تشدید کنیم. این کار چون سر چشمه را اصلاح نمی کند، نمی تواند مفید باشد و یک علت گسترش هم می تواند این باشد که از روز اول به علل و عوامل توجه نکردیم. تروریسم هم همین گونه است، اگر ابتدا به علل و عوامل آن توجه میکنیم، مشکلات زیادی را می بینیم. خیلی از کشورها با این مسئله مشکل پیدا می کنند و خیلی از کشورها نیز موافق نخواهند بود.

۲- بدون شناخت علل و عوامل تروریسم که یک بحث جرم شناسی تروریسم را مطرح می کند، هیچ گونه مبارزه ای معقول و موفق نخواهد بود و تا به حال در مورد هیچ یک از جرایم بین المللی یا جنایات یا جرایم با ابعاد بین المللی، جرم شناسی وارد عمل نشده است. در حالی که باید این کار را انجام دهیم، یعنی شناخت علل و عوامل را وارد صحنه کنیم.

۳- دولتها باید در تعریف مشترک از تروریسم و تعیین حد و مرز آن تفاهم کنند. حالا نه همه دولتها، بلکه حداقل دولتهای قوی، بقیه دولتها که دنبال رو هستند. این دولتهای قوی هستند که اجازه نمی دهند مفاهیم بین المللی در این زمینه ها شکل بگیرد. به عنوان مثال: شنیدیم که سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا اعلام کرد: ما ترورهای فردی را در سطح دنیا از سر می گیریم، در حالی که آنها هستند که باید در درجه اول با تروریسم مبارزه کنند.

پس دولتها باید در خصوص تعریف، حدود و مشخصات تروریسم دولتها تفاهم کنند و دولتهای بزرگ هم موظفند در این تفاهم پیش قدم باشند.

۴- همکاری دولتها باید در زمینه تعقیب، پژوهش، استرداد یا محاکمه تروریستها به صورت یک الزام بین المللی شکل بگیرد. قطعنامه ی ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر این مطالب را پیش بینی کرده، ولی ضمانت اجرا ندارد. باید برای این امر ضمانت اجرا در نظر گرفته شود تا کشورها مکلف به همکاری در این امور باشند.

۵- بالاخره مهمترین مطلب این است که منابع مالی تروریسم به طور جدی بازبینی و پی گیری شود، اگر این منابع دولتی است مشخص شود، اگر غیر دولتی یا مجرمانه است و مثلاً از فعالیت های مجرمانه به خصوص قاچاق مواد مخدر یا سایر جرایم است باز هم مشخص شود. در نتیجه با جرایم سازمان یافته از یک طرف و تطهیر بین المللی پول از طرف دیگر، مبارزه جدی بین المللی صورت بگیرد.

کشورهای بزرگ از حفظ بهشت های بانکی و بانکهای خارج از محدوده حاکمیت ها و آزادی عمل آنها خوداری کنند. منافع این موسسات به جیب کشورهای بزرگ می رود و در نتیجه آنها هستند که باید پیش قدم شوند. و بهشت های جنایتکاران بین المللی را تعطیل کنند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب

- بریسک، آلیسون (۱۳۹۰)، "حقوق بشر و ناامنی"، در: بررسی تطبیقی امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ویراستاران: آلیسون بریسک و گیرشون شافیر، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰). استعاره صراط در اندیشه سید قطب، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جی بدی، توماس، (۱۳۷۸)؛ تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی، ترجمه: سید رضا میر طاهر، مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم.
- حسین خانی، الهام (۱۳۸۹)، "فرهنگ صلح عادلانه و نظام سیاسی و بین‌المللی در: حق بر صلح عادلانه"، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول
- خداوردی، حسن، (۱۳۸۵)، تروریسم و حقوق بشر، علوم سیاسی دانشگاه آزاد آشتیان، پیش شماره یک.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۳)، "نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل"، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس
- ساعد، نادر «الف» (۱۳۸۹)، "صورت‌بندی تروریسم در نگاه حقوقی: دستاویزها و چشم‌انداز" در: تروریسم و حقوق بشر، زیر نظر نادر ساعد، تهران: انتشارات دادگستر به سفارش برنامه عمران سازمان ملل متحد و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی.

- (۱۳۹۰) "تروریسم و نظام حقوقی ناظر بر حمایت از صلح و حقوق بشر"،
در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران:
انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی
علیه تروریسم برای صلح عادلانه
- صفوی، مهدی، (۱۳۸۳)، تروریسم کور، بلای جان بشریت، گزارش، شماره یکصد و
پنجاه و چهارم، تیر.
- عاملی، سیدرضا (۱۳۸۹)، "رویکرد انتقادی به استعماری مجازی آمریکا: قدرت نرمن
و امپراتوری‌های مجازی"، تهران، انتشارات امیرکبیر
- «ب» (۱۳۸۹)، "صلح عادلانه و پارادوکس رفتاری غرب در مواجهه با اسلام و
حقوق مسلمانان"، در: تروریسم و نقض حقوق مسلمانان، به اهتمام نادر ساعد، تهران:
انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول
- عزیزی، ستار (۱۳۹۰)، "تروریسم و نهضت‌های آزادی بخش: مرزشناسی حقوقی"،
در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران:
انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی
علیه تروریسم برای صلح عادلانه
- فلمینگ، پیترو و مایکل استول، (۱۳۸۲)، سایر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها در
تروریسم، تهران: نشر نی.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰)، "صلح جاویدان و حکومت قانون"، تهران: نشر فرهنگ
نو
- فدوی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). اسامه بن لادن و ماجراها، کابل: مفاخر.

- قزوینی، سیدمحمدحسن (۱۳۶۶). فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آنها، ترجمه علی دوانی، تهران: وزارت ارشاد.
- واحد دانشگاهیان مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۹۰)، "چهل گفتار برای صلح عادلانه"، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- موسوی علیزاده، سیدمهدی (۱۳۹۰). «گرایش های فکری سلفیه در جهان امروز، مفهوم شناسی و تاریخ سلفیه، گونه شناسی سلفیه»، پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت شناسی،

ب) مقالات

- اسفندیاری، محمدرضا، (۱۳۸۴)، دکترین امنیت ملی آمریکا؛ مبارزه با تروریسم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش ات بین المللی ابرار معاصر.
- آقای خواجه پاشا، داود، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر راهکارهای سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین المللی، فصلنامه ی سیاست، دوره ۴۳، شماره یکم.
- بشیر حسن (۱۳۹۰)، "بیداری اسلامی: مبارزه واقعی با تروریسم و ائتلاف جهانی برای تحقق صلح و امنیت" [سخنرانی]، فصلنامه صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، ویژه نامه کنفرانس بین المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه
- بشیری، قاسم، (۱۳۸۲)، تروریسم بین المللی و تأثیر آن بر امنیت ملی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مجله دادرسی، سال هفتم، شماره سی و نهم.

- قربانی، ارسلان و رضا سیمبر (۱۳۸۸)، "صلح و حقوق بشر: فرصت‌ها و چالش‌ها"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (انجمن ایرانی روابط بین‌الملل)، سال ششم، شماره ۳
- قماش، سعید (۱۳۹۰)، "کرامت انسانی راهبرد نوین در سیاست جنایی"، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، دوره جدید، شماره ۱
- کوشا، جعفر و پیمان نمامیان (۱۳۸۷)، "جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری"، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳
- گلدوزیان، ایرج و پیمان نمامیان (۱۳۸۹)، "راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم"، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۷
- محمدی، نعیم، (۱۳۹۰)، تروریسم به مثابه یک جنبش اجتماعی جدید در مواجهه با دموکراسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره دوم، سال هفتم.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۵). «مقایسه ویژگی‌های معرفت‌شناختی جریان‌های فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام»، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زمستان، ش ۸
- ARISH YUSUFF, AZEEZ OLAWALE(2011) "TERRORISM-A THREAT TO GLOBAL PEACE", [HTTP://EZINEARTICLES.COM/?TERRORISM--A-THREAT-TO-GLOBAL-PEACE&ID=4443052](http://ezinearticles.com/?TERRORISM--A-THREAT-TO-GLOBAL-PEACE&ID=4443052)
- BROWN, CHRIS ET AL., (EDS.)(2007) INTERNATIONAL RELATIONS IN POLITICAL THOUGHT, CAMBRIDGE: CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS

- JÁNOS, DRÁBIK(2011) "JOINING FORCES GLOBALLY AGAINST TERRORISM FOR THE JUST PEACE", IN: [HTTP://DRABIKJANOS.COM/2011/04/28/JOINING-FORCES-GLOBALLY-AGAINST-TERRORISM-FOR-THE-JUST-PEACE/](http://drabikjanos.com/2011/04/28/joining-forces-globally-against-terrorism-for-the-just-peace/)
- PABST, ADRIAN(2009) "UNHOLY WAR AND JUST PEACE: RELIGIOUS ALTERNATIVES TO SECULAR WARFARE", POLITICS AND RELIGION, VOL. III, NO 2.
- STOLZENBERG, JURGEN(2006) "TERRORISM, WAR, AND PEACE", FLORIANÓPOLIS,VOL.5, NO.1